



این مقاله به سفارش موسسه دموکراسی و توسعه افغانستان و انستیتوت دیجیتالی جامعه مدنی _ آزادی تدوین شده است.

بررسی اسلام سیاسی و پیامد های آن در 40 سال اخیر در افغانستان

نگارنده : سعید کریمی

چکیده

اسلام سیاسی اصطلاحی است مربوط به قرن معاصر که در برابر اسلام سنتی پدید آمده است. در این مقوله، اسلام به عنوان هویت مرکزی با نقش کارکردگرایانه در متن سیاست واقع می شود و نظم اجتماعی را با تمام ملزومات آن نظریه پردازی می کند.

موضوع تحقیق ما اسلام سیاسی و پیامدهای آن در افغانستان بود. سؤالات مطرح در این تحقیق، اولاً؛ علل و عوامل شکل گیری اسلام سیاسی در افغانستان و ثانيا ماهیت احزاب اسلام گرای سیاسی افغانستان چیست؟ ثالثاً چرا جریان های اسلام سیاسی در افغانستان دارای ضعف و ناپایداری زیادی بوده و نهایتاً پیامدهای منفی و زیانباری را در افغانستان رقم زدند؟

در پاسخ به سؤالات متذکره مقاله حاضر ضمن بررسی علل و عوامل شکل گیری و گسترش اسلام سیاسی در افغانستان، مباحثی پیرامون ماهیت و علل ضعف ناپایداری احزاب اسلامگرای سیاسی در افغانستان معاصر پرداخته و زمینه ها و علل قومی، قبیله ای و مذهبی و نیز مجموعه ای از عوامل خارجی ذی مدخل را شناسایی کرده است و برای چیره شدن بر این ناپایداری راه حل های ارائه داده است. چرا که جریان های اسلام سیاسی موفق شدند نیروهای اشغالگر شوروی را از کشور بیرون کنند، ولی به هیچ وجه توفیقی در برقراری نظم نوین سیاسی به دست نیاوردند. در عوض جامعه سنتی افغانستان با تقسیم های قومی، مذهبی و نژادی مخصوص به خود، به تصویری بازگشته است که در آن هر شبکه و اتحادیه ای به دور محور مرکزیت دلخواه خود گرد می آید.

از جانب دیگر، ضعف دولت و ناکارآمدی آن به چالش احزاب سیاسی افزوده است؛ چرا که ساختار قدرت سیاسی و جامعه افغانستان بازتاب دهنده تضادهای قومی، نژادی و مذهبی است؛ از این رو، تضاد در احزاب افغانستان غلبه یافته و این آسیب جدی است که احزاب افغانستان را تهدید می کند. در واقع تضاد منافع قدرت های بین المللی، باعث تشدید ناآرامی ها و تضعیف احزاب سیاسی شده است.

اختلافات و تضاد های اجتماعی، قومی، مذهبی در میان نیروهای جهادی افغانستان تشدیدگردید؛ البته با تحریک قدرت های بین المللی، منطقه ای نیز آن تضادها را تسریع می بخشید.
واژگان کلیدی: اسلام سیاسی، اسلام انقلابی، اسلام سلفی، اسلام بنیادگرا.



Abstract:

Political Islam is a phrase related to the contemporary century that emerged against traditional Islam. In this category Islam is located as a central identity with a functionalist role in the framework of politics and theorizes the social discipline with all its necessities. The topic of our investigation is political Islam and its outcomes in Afghanistan.

The upraised questions in this investigation, firstly what are the reasons and factors of the formation of political Islam in Afghanistan, and secondly, what are the nature of political Islamic parties in Afghanistan? Thirdly, why the political Islamic parties are facing deficiencies and instability in Afghanistan, and finally they cause negative and harmful results in Afghanistan? To answer the mentioned questions in this topic whereas examining the reasons and factors of the formation and development of political Islam in Afghanistan. It discusses the nature and factors of the instability of political Islamic parties in Afghanistan today, and the ethnic, tribal and religious context and a complex of reasons has identified as the external factors involved. So, to overcome this instability, number of solutions are provided because, the political Islamic parties succeeded in expelling the Soviet occupying forces from the country, but they did never succeed to stablish a new political system. Instead, the Afghanistan traditional society with the ethnic, religious and racial divisions in its own has returned to a vision that every network and union are gathering around its favorite central pivot. On the other hand, the feebleness of the government and its disorganization have added to the challenges of political parties, because the structure of political power and Afghan society reflects ethnic, racial and religious

encounters. Hence, the conflicts have overcome the Afghanistan parties and this seriously is threatening the parties in Afghanistan. In fact, the international powers interests' clashes have aggravated strife and deteriorated political parties. The social, ethnic and religious conflicts and contradictions among the Afghan Jahadi forces intensified, and of course it was happening with the stimulation of international and regional powers also accelerated those oppositions.

Key Words: Political Islam, Revolutionary Islam, Salafi Islam, Fundamentalist Islam.



مقدمه: شاید هزار و چهارصد سال قبل، هنگامی که اسلام در جزیره العرب ظهور کرد، کسی باور نمی کرد که امروز بعد از گذشت چهارده قرن، طیف وسیعی از گفتمان های اسلامی در جوامع امروز مسلمانان رواج داشته باشد. از گفتمان های بسیار مسامحه کار گرفته تا گفتمان های فوق العاده سخت گیر و افراطی که قصد اجرای شریعت اسلامی را بی کم و کاست با تفسیر خاص خود دارند. هرچند اسلام از ابتدای ظهور، سیاسی بوده و حتی در دوره هایی اقدام به تأسیس حکومت اسلامی کرد، اما برای مدتی طولانی از عرصه سیاست بر کنار بود و در قرن اخیر است که بار دیگر ورود اسلام به عرصه سیاست با عنوان اسلام سیاسی متبلور گردید.

جریان های اسلام سیاسی تحت تاثیر عوامل مختلف درونی و بیرونی در افغانستان شکل گرفته و گسترش یافت. مهمترین عوامل شکل گیری ظهور تفکر اخوان المسلمین به رهبری امام حسن البنا و جماعت اسلامی به رهبری ابوالعلاء مودودی، کودتای هفتم ثور 1357 حزب دموکراتیک خلق افغانستان و مطالبی بی شماری که نسبت مردم و منافع ملی کشور انجام داد. متعاقب آن اشغال افغانستان توسط شوروی سابق در 6 جدی 1358 عمده ترین عوامل شکل گیری و گسترش اسلام سیاسی در افغانستان محسوب می شوند.

عمده ترین سئوالی که در زمینه نقش احزاب اسلامگرا در 4 دهه اخیر افغانستان مطرح است. آنست که نقش جریان های اسلام سیاسی در افغانستان در 40 سال اخیر چگونه بوده هست؟ و اقدامات عملی اسلام سیاسی دارای چه پیامدهای منفی در افغانستان بوده است؟ در پاسخ به دو سئوال متذکره تحقیق حاضر پس از بررسی های همه جانبه به این نتیجه رسیده است که احزاب اسلامگرای سیاسی در افغانستان نقش اساسی در شکست اشغالگران شوروی سابق و عوامل داخلی شان داشته اند. اما در شکل دادن یک نظام سیاسی مطلوب جایگزین در افغانستان نه تنها توفیقی نداشتند، بلکه به دلیل نداشتن برنامه برای آینده، خودخواهی رهبران و وابستگی سیاسی به کشورهای خارجی پیامدهای منفی و زیانباری را نیز در افغانستان از خود بیادگار گذاشتند.

مباحث مطرح در این تحقیق عمدتاً متشکل است از: مقدمه، تعریف مفاهیم مرتبط با اسلام سیاسی، اصول اساسی اسلام سیاسی، علل و عوامل شکل گیری، عمده ترین جریانات اسلام سیاسی در افغانستان و پیامدهای منفی آنان در 40 سال اخیر افغانستان و جمع بندی و نتیجه گیری از مباحث و ارائه پیشنهادات و راهکارهای مناسب مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

ضمناً این مقاله به سفارش موسسه دموکراسی و توسعه افغانستان و انستیتوت دیجیتالی جامعه مدنی _ آزادی تدوین شده است.

تعریف مفاهیم مرتبط با اسلام سیاسی:

1 - تعریف اسلام سیاسی: اصطلاح اسلام سیاسی، اصطلاحی جدید است که در برابر اسلام سنتی پدید آمده است و به دنیای مدرن تعلق دارد¹. بر اساس نظریه گفتمان، اسلام سیاسی گفتمانی است که هویت اسلامی را در کانون عمل سیاسی قرار می‌دهد. در گفتمان اسلام سیاسی، اسلام به یک مدل برتر تبدیل می‌شود.

اسلام‌گرایی طیفی از رویدادها از پیدایش یک ذهنیت اسلامی گرفته تا تلاشی تمام عیار برای بازسازی جامعه مطابق با اصول اسلامی را دربر می‌گیرد.²

2 - اصول و مبانی اسلام سیاسی:

1 - اعتقاد به ابعاد فراگیر دین: غلامرضا بهروز لک معتقد است که در گفتمان اسلام سیاسی، دین فقط یک اعتقاد نیست بلکه ابعادی فراگیر دارد و تمامی عرصه‌ی هیأت آدمی را دربر می‌گیرد.³

2 - اعتقاد به جدانپذیری دین از سیاست: اسلام سیاسی بر تفکیک‌ناپذیری دین و سیاست تأکید کرده و مدعی است اسلام از نظریه‌ای جامع درباره‌ی دولت و سیاست برخوردار است و به دلیل تکیه بر وحی از دیگر نظریه‌های سیاسی متکی بر خرد انسانی، برتر است.⁴

3 - اعتقاد به تشکیل دولت مدرن بر اساس اسلام: اسلام سیاسی از تعبیرهای اسلامی برای تبیین و توضیح وضعیت سیاسی جامعه استفاده می‌کند و بازگشت به اسلام و تشکیل حکومت اسلامی را تنها راه حل بحران‌های جامعه‌ی معاصر به شمار می‌آورد. اسلام سیاسی در پی ایجاد نوعی جامعه‌ی مدرن است که در کنار بهره‌گیری از دستاوردهای مثبت تمدن غرب از آسیب‌های آن به دور باشد.⁵

4 - اعتقاد به استعمار غرب عامل عقب‌ماندگی مسلمانان: اسلام‌گرایان عقب‌ماندگی سیاسی مسلمانان را زاییده‌ی استعمار جدید غرب می‌دانند و به این وسیله با دست گذاشتن بر حساسیت‌های امت اسلام، می‌خواهند به عقب‌ماندگی مسلمانان پاسخ گویند.⁶

3 - هدف اسلام سیاسی: هدف نهایی اسلام سیاسی، بازسازی جامعه بر اساس اصول اسلامی است و در این راه به دست آوردن قدرت سیاسی، مقدمه‌ای ضروری تلقی می‌شود. به نظر محمدعلی حسینی‌زاده

1 - بهروز لک، غلامرضا؛ اسلام سیاسی و اسلام‌گرایی معاصر، نگاه حوزه، شماره‌ی 209، خرداد 1386.

2 - همان.

3 - بهروز لک، غلامرضا؛ جهانی شدن و اسلام سیاسی در ایران، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه‌ی اسلامی، 1386، ص 39.

4 - حسینی‌زاده، محمدعلی؛ اسلام سیاسی در ایران، قم، دانشگاه مفید، 1386، ص 17.

5 - همان، ص 18.

6 - رواء، البویه؛ تجربه‌ی اسلام سیاسی، تهران، مرکز انتشارات بین‌المللی صدرا، 1378، ص 23.

هواداران اسلام سیاسی، اسلام را به مثابه یک ایدئولوژی جامع در نظر می‌گیرند که دنیا و آخرت انسان را دربر گرفته و برای همه‌ی حوزه‌های زندگی دستورها و احکامی روشن دارد.⁷

4 - علل و عوامل ظهور اسلام سیاسی: اندیشمندان دلایل مختلفی برای ظهور اسلام سیاسی در جهان برشمرده‌اند از جمله: شکست نخبگان غیرمذهبی سکولار.⁸ بابت سعید این دلایل را رد می‌کند و در نقد آنها معتقد است که این دیدگاه‌ها، علی‌رغم تاکید بر وجود مشکلات پنجگانه‌ی فوق در درون دنیای اسلام، نمی‌توانند توضیح دهند که چرا رویکرد و انتخاب مردم برای حل این معضلات، اسلام‌گرایی است و نه گفتمان‌های دیگری چون لیبرالیسم و یا سوسیالیسم. وی معتقد است که گرچه جمیع این روایت‌ها کمک می‌کنند تا توضیحات مفیدی از بحران فراهم شود، اما توضیحات قانع‌کننده‌ای مبنی بر این‌که چگونه بحران در نظم سیاسی، عامل ظهور اسلام‌گرایی می‌شود، ارائه نمی‌دهند. بابت سعید، کمالیسم و بحران در آن‌را ریشه‌ی ظهور اسلام‌گرایی می‌داند به نظر او ناتوانی کمالیسم در سرکوبی مخالفان موجب مطرح شدن اسلام‌گرایی به‌عنوان بدیلی به‌جای آن شد.

5 - تفاوت اسلام سیاسی با جریان بنیادگرایی: بار معنایی واژگان بنیادگرایی، رادیکالیسم، اسلام‌گرایی و اسلام سیاسی متفاوت است. دال‌هایی چون بنیادگرایی و رادیکالیسم در زمینه‌ی فرهنگ غربی بار معنایی کاملاً منفی یافته‌اند. اما، واژگان اسلام سیاسی و اسلام‌گرایی دال‌هایی نسبتاً خنثی و فاقد بار منفی هستند.⁹ بنیادگرایی سنتی، حرکتی است اعتراض‌آمیز علیه حکام منحرف و خائن که اصول اسلام، قرآن و حدیث را به فراموشی سپرده‌اند و مانع تطبیق شریعت با موضوعات اجتماعی شده‌اند.¹⁰ اسلام سیاسی بر خلاف بنیادگرایان و سنت‌گرایان مدرنیته را به‌طور کامل نفی نمی‌کند بلکه می‌کوشند تا اسلام را با جامعه‌ی مدرن سازگار نشان دهد. البته اینان جنبه‌های سکولار تمدن غرب را نفی کرده و مشکلات جامعه‌های معاصر را به دوری از دین و معنویت نسبت داده و راه‌هایی از آنها را توسل به ارزش‌های دینی و بازگشت به اسلام می‌دانند.¹¹

6 - علل و عوامل شکل‌گیری اسلام سیاسی (بنیادگرایی): عمده‌ترین علل و عوامل شکل‌گیری اسلام سیاسی به ترتیب عبارتند از:

7 - حسینی‌زاده، محمدعلی؛ پیشین، ص 17.

8 - سعید، بابت؛ پیشین، صص 22-26.

9 - بهروزلک، غلامرضا؛ اسلام سیاسی و اسلام‌گرایی معاصر، پیشین، همان صفحه.

10 - روا، البویه؛ پیشین، صص 4-5.

11 - حسینی‌زاده، محمدعلی؛ پیشین، ص 18.

1- رویارویی با مدرنیته غربی: بابی سعید و تعداد دیگری از نویسندگان معتقدند که یکی از عوامل عمده شکل گیری اسلام سیاسی و بنیادگرا رویارویی جهان اسلام با مدرنیته غربی بوده است. زیرا شخصیت های اسلام سیاسی معتقد بودند که مدرنیته معتقد به خرد خود بنیاد بوده که هیچ نیازی به مرجع و منبع متافیزیکی ندارد و عملاً راه خود را از هر نوع وابستگی به مذاهب به مثابه منبع و مرجع متافیزیکی گسته است. به همین دلیل مدرنیته غربی به نظر آنان یک تفکر ضد دین و مذهب تلقی شد. دلیل اصلی بابی سعید و دیگران برای چنین استدلالی آنست که قبل از رویارویی جهان اسلام با مدرنیته غربی تنها با اسلام گرایی سنتی مواجه بودیم.

2 - شکست نخبگان ملی گرا و غیرمذهبی: دومین دلیل شکل گیری اسلام سیاسی در جهان اسلام به نظر فواد عجمی و سایر نویسندگان شکست نخبگان ملی و غیرمذهبی در جهان اسلام بوده است. که می توان به نمونه های چون شکست امان الله خان در افغانستان، مصطفی کمال اتاترک در ترکیه، جمال عبدالناصر در مصر و ... را می توان نامبرد.

3 - فقدان مشارکت سیاسی در جهان اسلام: به نظر تعدادی از پژوهشگران سومین دلیل شکل گیری اسلام سیاسی فقدان مشارکت سیاسی در دوران پس از استعمار در کشورهای اسلامی بوده است. به نظراین نویسندگان بعد از دوران استعمار در اکثر کشورهای اسلامی حکومت های رویکارآمدند که طبع استبدادی داشته و مخالف مشارکت همگانی در سیاست و اداره امور کشور بودند. در چنین شرایطی که باب مشارکت برای همه مسلمانان بسته شده بود. یکی از مکان های مهم اسلامی که ماهیت سیاسی پیدا کرد مسجد بود. زیرا در این وضعیت مساجد به مکانی برای گفتگوهای عمومی تبدیل شد که از سلطه حاکمان سیاسی خارج بود. به همین دلیل مساجد در جهان اسلام به مکانی برای شکل گیری اسلام سیاسی تبدیل شد.

4 - نقش استعمار انگلستان در شکل دادن اسرائیل در قلب جهان اسلام: نقش برجسته ای که استعمار انگلستان در تحویل دادن فلسطین به یهودیان مهاجر و تشکیل کشور اسرائیل صورت گرفت. 12 از نظر افکار عمومی جهان اسلام هرگز اشغال یک سرزمین و یک کشور نیست؛ بلکه ایجاد یک کانون استعماری ضداسلامی در قلب جهان اسلام، در جهت نابودی جهان اسلام و جلوگیری از شکل گیری

12 - بذریه توطئه (گزیده اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلیس)، ترجمه حسین ابوترابیان، انتشارات، مؤسسه اطلاعات، تهران، 1366، صص 6-7.

تمدن اسلام محسوب می شود؛ از این رو قضیه فلسطین علاوه بر بعد دینی، با استقلال، امنیت و منافع ملی سایر کشورهای اسلامی نیز شدیداً در ارتباط است.¹³

مسلمانان جهان از بدو تاسیس کشور اسرائیل در سال 1948 موضوع اشغال فلسطین را همواره از مسائل راهبردی خویش دانسته و این موضوع را مساله اول امت اسلامی تلقی می نمایند. زیرا افکار عمومی جهان اسلام غصب یک کشور اسلامی و تشکیل جامعه جعلی و موزاییکی، کشتار و جنایت و ظلم مستمر، تهدید قبله ای اول مسلمین، کشتارهای دسته جمعی فلسطینیان که «هاگاناه»، «ایرگون تزوای لئومی» و «اشترن» سازمان های امنیتی و جاسوسی اسرائیل به عهده داشتند.¹⁴ «بگین» که در رأس سازمان «هاگاناه» قرار داشت می گوید که: در اثر عملیات ما، فقط 165000 عرب در فلسطین باقی ماندند و اعتراف می کند که بدون اینگونه قتل عامها کشور اسرائیل موجودیت پیدا نمی کرد.¹⁵ و اخراج اجباری مردم فلسطین که وجود 4 میلیون پناهنده فلسطینی در خاورمیانه و جنگ های تحمیلی این کشور بر اعراب و شهرک سازی های مستمر اسرائیل برای یهودیانی که از سایر نقاط جهان به فلسطین آورده می شوند و را هرگز فراموش نکرده و نخواهند کرد.

لذا چون افکار عمومی امت اسلامی پس از 74 سال از تاسیس اسرائیل و اشغال فلسطین و مظلومی که اسرائیل در این مدت بر فلسطینیان مسلمان تحمیل نموده اند. به همین دلایل موضوع اشغال فلسطین و نقشی که استعمار انگلیس در شکل دادن کشور اسرائیل داشت. یکی از عوامل عمده شکل گیری گیری اسلام سیاسی در جهان اسلام محسوب می شود.

6 - اشغال افغانستان توسط شوروی سابق در سال 1358: افغانستان به تاریخ 6 جدی سال 1358 رسماً توسط اتحاد جماهیر شوروی سابق اشغال شد. دلیل اصلی اشغال افغانستان ناکامی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و مظلومی زیادی که نسبت به مقدسات مردم و کشتن هزاران انسان بیگناه از اقشار مختلف بود

7 - موسسان اسلام سیاسی: از موسسان اسلام سیاسی می توان از سیدجمال الدین افغانی، امام حسن البناء، ابوالعلاء مودودی می توان نامبرد.

13 - موسوی، سید حسین. (1380). تهدیدهای جدید امنیتی اسرا بیل در منطقه خاورمیانه، فصلنامه مطالعات منطقه ای، شماره 8 .
14 - کشتار دیرپاسین: در روز 9 / 4 / 148م واحدهایی از همه سازمانهای تروریستی صهیونیستی همراه با تعدادی تانک و نیروهای پیاده ارتش به روستای دیرپاسین حمله کردند. مردم روستا به دفاع از خود پرداختند. صهیونیستها 254 نفر از اهالی را به شهادت رسانده، بسیاری از آنان از جمله زنان باردار را متله نمودند. بگین که به قصاب دیرپاسین معروف است، در این باره گفت که بدون دستیابی به این پیروزی، در دیرپاسین، کشور اسرائیل موجودیت پیدا نمی کرد.

15 - لوکرنیف: اسرائیل، اسطوره ها و واقعیت، ترجمه مازیار، انتشارات ابوریحان، تهران، 1359، ص 19.

8 - جریان های اسلام سیاسی در افغانستان: با آنکه اسلام گرایان سیاسی در افغانستان ویژگی های خاص خود را دارند. اما همواره وابستگی زیادی با دیگر جریان های اسلام سیاسی در منطقه و خاورمیانه داشته و دارند. اسلام سیاسی در افغانستان به دلیل اینکه فاقد چهره های بزرگ فکری می باشند. از دو منبع بزرگ یعنی اخوان المسلمین و جماعت اسلامی پاکستان تغذیه فکری شده اند.¹⁶ به همین دلیل اکثر اسلام گرایان سیاسی فرزند خلف ایندو منبع محسوب می شوند. به عنوان مثال: برهان الدین ربانی و غلام محمد نیازی بنیانگذاران حزب جمعیت اسلامی و صبغت الله مجددی رهبرنجات اسلامی تحصیلات شان را در الازهر مصر یکی از کانون های اخوان المسلمین مصر سپری نموده اند.

گلبدین حکمتیاریکی دیگر از اسلام گرایان سیاسی به جماعت اسلامی پاکستان به رهبری قاضی حسین احمد که خود یک پشتون می باشد، بسیار نزدیک است. به طور کلی احزاب اسلام گرا در افغانستان به سه دسته ذیل طبقه بندی می گردند:

الف - احزاب اسلام گرای میانه رو: احزاب میانه رو گرایش های صوفیانه و دینی سنتی داشتند و بعضاً به رژیم ظاهرشاه ابراز علاقه و وفاداری می کردند و همسو با غرب بودند.¹⁷ مهم ترین میانه روها عبارت بودند از: «محاذ ملی اسلامی افغانستان» به رهبری سیداحمد گیلانی که صوفی بود و پیر طریقت فرته صوفیه قادریه به شمار می آمد؛ «جبهه ملی نجات افغانستان» به رهبری صبغت الله مجددی که او هم عضو معروف طریقت اخوان صدقی نقشبندی بود و «حرکت انقلابی اسلامی افغانستان» به رهبری مولوی محمدنبی محمدی که در دهه دموکراسی عضو پارلمان بود و بعدها از طالبان حمایت کرد.

ب - احزاب اسلام گرای تند رو: چهارحزب به احزاب تندرو و بنیادگرای سنی معروف بودند:

1 - حزب اسلامی به رهبری یونس خالص: یکی از احزاب بنیادگرا بوده و رهبری آن را مولوی محمدیونس خالص بعهده داشت. مولوی خالص فرد متحجر و بنیاد گرا و به شدت با شیعیان افغانستان مخالف بود

2 - حزب اسلامی به رهبری گلبدین حکمتیار: گلبدین حکمتیار از امتیاز حمایت بیدریغ اردوی پاکستان برخوردار بود. به همین دلیل 80 درصد کمک های جهانی به جهاد افغانستان را از طریق اردوی

16 - برای آگاهی بیشتر از اسلام سیاسی در افغانستان مراجعه شود به کتاب "اسلام و مقاومت در افغانستان" تألیف الیویه روا، انتشارات دانشگاه کمبریج 1995 .

21 - Maley, William (2002) The Afghanistan Wars. New York: Palgrave, 63-64.

پاکستان به تنهایی دریافت می کرد. سایر احزاب اسلامی تنها از 20 درصد این کمک ها بهره مند می شدند. حکمتیار به سه دلیل اولاً اشتباهات فاحشی که در طول دوران جهاد و پس از پیروزی مجاهدین انجام داد. از جمله راه انداختن جنگ های داخلی در مناطق مختلف افغانستان در دوران جهاد و موشک باران مستمر کابل در سال های 1371 و 1372¹⁸ که منجر به کشته شدن هزاران نفر گردید. ثانیاً وابستگی عمیقی که به پاکستان و اردوی آن کشور داشت. ثالثاً شخصیت خودکامه و مصالحه ناپذیر داشت. خیلی زود از نظرها افتاد و بسیار مورد سوءظن محافل افغانی در داخل و خارج از افغانستان قرار گرفته و حتی باعث گریزان شدن اطرافیان او نیز شده است.¹⁹

3 - اتحاد اسلامی افغانستان: عبدالرب رسول سیاف حزب کوچکی به نام «اتحاد اسلامی افغانستان» داشت که بسیار تحت حمایت مالی عربستان سعودی

4 - جمعیت اسلامی: «جمعیت اسلامی» یکی از احزاب سنی های شمال افغانستان بوده و از سوی برهان الدین ربانی، رهبری شده و در سال 1972 بنیان نهاده و رهبری می شد. میلی گفته که این حزب ارزش های نوگرایانه اسلامی داشته و از این لحاظ، بسیار مورد علاقه تحصیل کردگان و نخبگان جهادی بوده است.²⁰ جمعیت اسلامی به دلیل نقشی که در انحصار قدرت، درگیری مستمر با حزب وحدت اسلامی، حزب اسلامی حکمتیار و بالاتر از همه حادثه هولناک افشار در کابل داشت. عملکرد خلاف منافع ملی افغانستان از خود به یادگار گذاشت.

5 - گروه طالبان: در سال ۱۹۹۳ موقعیت سیاسی مناسبی برای جمعیت علمای اسلام پاکستان که از نظر فکری دیوبندی بودند، فراهم شد. برای اولین بار این حزب با حزب مردم پاکستان به رهبری بی نظیر بوتو متحد گردید و جزئی از ائتلاف حاکم شد و مولوی فضل الرحمان رئیس جمعیت علمای اسلام به ریاست کمیته دائمی امور خارجه مجلس ملی منصوب شد. او در سال ۱۹۹۴ از واشنگتن و پایتخت های اروپایی دیدن کرد تا حمایت آنها را جلب کند.

18 - روزشماری از عملکرد حکمتیار در دولت مجاهدین، روزنامه ماندگار - 9 حمل 1402.
19 - آندره بریگو، و الویه روا (1366) جنگ افغانستان: دخالت شوروی و نهضت مقاومت، ترجمه ابوالحسن سروقدمقدم. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، صص 139 - 40.

24 Maley, William (2002) The Afghanistan Wars. New York: Palgrave, 64 - .

وی به عربستان سعودی و کشورهای حوزه خلیج فارس رفت و آمد می‌کرد تا کمک مالی و نظامی بگیرد²¹. در این راستا جمعیت علمای اسلام توانست نگرش دولت بی نظیر بوتو را نسبت به قوم پشتون تغییر دهد و با همکاری اداره اطلاعات ارتش پاکستان، طالبان افغانستان را تاسیس نمودند²². در سال ۱۹۹۵ شاهزاده ترکی، رئیس سازمان اطلاعات عربستان، به توصیه مولوی فضل الرحمان چندین بار به قندهار سفر کرد و قبول کرد تا هزینه حمله طالبان به کابل را پرداخت کند²³. و این چنین عربستان به مهمترین حامی مالی طالبان تبدیل شد²⁴.

این گروه با استفاده از اوضاع آشفته داخلی و کمک کشورهای خارجی توانستند در مدت دو سال، حکومت برهان‌الدین ربانی در کابل را در سال ۱۳۷۵ ش (۱۹۹۶م) ساقط نموده و حکومت طالبان را با عنوان «امارت اسلامی افغانستان» به رهبری «ملا محمد عمر» تشکیل دهند. برخی از کشورهای منطقه همچون عربستان، پاکستان و امارات متحده عربی بلافاصله حکومت طالبان را به رسمیت شناخته و به حمایت از آن پرداختند.

طالبان از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰ بر بیش از نود درصد از خاک افغانستان حکومت کردند تا اینکه حادثه ۱۱ سپتامبر در آمریکا اتفاق افتاد. متهم اصلی این حادثه، القاعده معرفی شد و به خاطر حضور اسامه بن لادن، رهبر القاعده در افغانستان، آمریکا به این کشور لشکرکشی نموده و حکومت طالبان را ساقط کردند، اما طالبان هیچ گاه از بین نرفت و هر روز توانست سرزمین‌های بیشتری را به تصرف خود درآورد. مطابق نقشه‌ای در سال ۲۰۱۷ میلادی حدود ۵۰ درصد از خاک افغانستان در دست طالبان بود و هر روز از اعتبار و جایگاه دولت حامد کرزای و اشرف غنی کاسته شده و به اعتبار طالبان اضافه می‌شد.

آمریکا که برای حضور خود در افغانستان هزینه فراوانی کرده بود، اما نتوانست به اهدافش برسد و هر روز ضعیف‌تر شد. به همین علت طرح صلح با طالبان را در دستور خود قرار داد و اعلام کرد از ۱۱ ثورتا ۲۰ سنله ۱۴۰۰ تمام نیروهای خود را از افغانستان خارج می‌کند. طالبان که مترصد فرصت بود، عزم خود را جزم کرده تا دوباره حکومت کابل را از آن خود کند. لذا در عرض کمتر از

21 - سجادی، سید عبد القیوم، گفت‌مان جهانی شدن و اسلام سیاسی در افغانستان پسا طالبان، سازمان انتشارات دانشگاه مفید، قم، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.

22 - سرافراز، محمد، جنبش طالبان از ظهور تا افول، انتشارات سروش، تهران، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش.

23 - سیکل، امین، دولت ربانی ۱۹۹۶-۱۹۹۲، افغانستان طالبان و سیاست‌های جهانی، ترجمه عبد الغفار محقق، انتشارات ترانه، مشهد، ۱۳۷۷ ش.

24 - شارل بریزار، ژان، و داسکیه، گیوم، بن لادن حقیقت ممنوع، ترجمه: عبد الحسین نیک گهر، نشر آگاه، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱ ش.

یک ماه از قندهار خود را به کابل رساند و با فرار اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان، عملاً در پایان مردادماه ۱۴۰۰ شمسی حکومت دوباره به دست طالبان افتاد.

ج - گروه‌های اسلامگرا اهل تشیع:

الف - حزب وحدت اسلامی: حزب وحدت در سال ۱۹۸۹ در ولایت بامیان تاسیس شد و عبدالعلی مزاری به عنوان اولین دبیرکل آن انتخاب شد. این حزب توانست به زودی به چندین سال جنگ میان گروه‌های رقیب هزاره پایان دهد. سپس، این حزب، با سقوط حکومت داکتر نجیب در آوریل ۱۹۹۲ با داعیه نمایندگی سیاسی از هزاره‌ها به یکی از طرف‌های نیرومند سیاسی-نظامی در کابل مبدل شد.²⁵ حزب وحدت بعد از عبدالعلی مزاری را می‌توان از دو زاویه دید: اول؛ حزب وحدت به عنوان سازمان سیاسی و دوم؛ حزب وحدت به عنوان حرکت و جنبش اجتماعی-سیاسی.

شواهد نشان می‌دهد که ساختار و تشکیلات درونی از آغاز برای حزب وحدت به مثابه یک سازمان سیاسی اهمیت اساسی داشت. این حزب از ادغام هشت حزب رقیب که برای چندین سال باهمدیگر درگیری‌های خونین داشتند، به وجود آمد.

پس از خروج نیروهای شوروی سابق حزب وحدت اسلامی به دلیل عدم واقع بینی احزاب هفتگانه اهل سنت مقیم پاکستان از مذاکرات تشکیل دولت مجاهدین در کابل که تحت تسلط گروه‌های هفتگانه اهل سنت، کنار گذاشته شد. بنابراین حزب وحدت طی جلسه شورای مرکزی خود در بامیان به ریاست عبدالعلی مزاری، تصمیم گرفت در سیاست‌هایش تجدیدنظر کند و استراتژی سیاسی جدیدی را مطرح کرد.²⁶

بر مبنای استراتژی جدید هیئتی به دره پنجشیر و ولایات شمالی کشور مانند بلخ که عمدتاً مناطق تاجیک‌نشین بودند، اعزام گردید. تا بر مبنای این استراتژی، علایق سیاسی مشترک را برای چانه‌زنی جمعی بر سر حقوق اقلیت‌ها در ترتیبات سیاسی آینده بررسی کنند.²⁷ هیئت‌های متذکره موفق شدند توافق‌نامه‌های سیاسی مهمی که به توافق نامه جبل السراج معروف گردید. با مسعود و دوستم امضا

25 - بی بی سی فارسی - ۲۲ اسفند ۱۳۹۳ - ۱۳ مارس ۲۰۱۵.

- Harpviken, Kristian Berg. 1995. 'Political Mobilization among the Hazaras of Afghanistan', dissertation, Department of Sociology, University of Oslo.

27 - Dawlatabadi, Basir Ahmed. 1992. Shenanameh ahzab wa jaryanat-e siasey-e Afghanistan (An introduction to political parties and currents in Afghanistan) 246. Qom, Iran

کنند. در توافق نامه که در آپریل ۱۹۹۲ امضا کردند. احمدشاه مسعود به عنوان رئیس، محمد محقق از حزب وحدت به عنوان معاون و جنرال دوستم به عنوان فرمانده امور نظامی آن انتخاب شدند.²⁸

اتحاد حزب وحدت مزاری، جنبش اسلامی دوستم و شورای نظار مسعود، هنگام کنترل شهر کابل، فروپاشید. به همین ترتیب، ائتلاف سیاسی میان احزاب و سازمان‌های مجاهدین اهل سنت مقیم پاکستان نیز از هم پاشید و شهر کابل را به میدان نبرد برای ویران کننده‌ترین و وحشیانه‌ترین درگیری‌ها تبدیل کرد. درگیری‌های مستمر میان شورای نظار جمعیت اسلامی و حزب وحدت اسلامی که نهایتاً منجر به تصرف مقر حزب وحدت اسلامی توسط شورای نظار و وقوع فاجعه ننگین افشار گردید از یکسو و درگیری‌های میان اتحاد اسلامی سیاف و حزب وحدت اسلامی منجر شد. درگیری‌های متذکره که باعث خسارات جانی و مالی فراوانی در کابل گردید. همین موضوع باعث شد تا اولاً حیثیت و اقتدار اسلام سیاسی به طور کلی نزد افکار عمومی خدشه دار شده و ثانیاً موجب ظهور پدیده جدید گروه طالبان گردید که بساط تمام احزاب اسلامی را برچید. اما تنش‌های درون حزبی با به چالش کشیده شدن مزاری برای همپیمان شدن با حکمتیار توسط محمد اکبری نیز بالا گرفت.

اختلافات بین عبدالعلی مزاری و اکبری منجر به اولین انشعاب عمده در حزب شد. پس از انشعاب، هر دو رهبر سازمان‌های سیاسی و نظامی جداگانه‌ای تحت نام وحدت را حفظ کردند.

ب - حرکت اسلامی: حرکت اسلامی افغانستان، حزبی شیعی در افغانستان که پس از روی کار آمدن حکومت مارکسیستی با هدف مقابله با این حکومت و اقدامات آن تشکیل شد. حرکت اسلامی افغانستان به رهبری **محمدآصف محسنی قندهاری**، در **قم** با اعلامیه‌ای در ۱۹ حمل ۱۳۵۸ ش اعلام موجودیت کرد و بعدها به صورت حزب جهادی درآمد.

حرکت اسلامی از ۱۳۷۱ تا سقوط **کابل** به دست **طالبان** در بهار ۱۳۷۵ ش، یکی از شرکای اصلی دولت استاد ربانی بود.²⁹ همپیمانی حرکت اسلامی با دولت استاد ربانی باعث دشمنی زیاد این حزب با حزب وحدت اسلامی گردید. طوری که حزب وحدت اسلامی حرکت اسلامی را هم دست احمدشاه مسعود و دولت ربانی در فاجعه افشار تلقی نمود.

28 - 9. ↑ Waezi, Hamza. 1999. 'Afghansitan wa ta'arozat-e stratezhi haye faramilli' (Afghanistan and Conflicts of Transnational Strategies), Siraj, Quarterly Journal 15: pp.27-78.

29 - • فاروق انصاری، احزاب و جریان‌های سیاسی شیعیان افغانستان ص ۳۰.

حرکت اسلامی در سال‌های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۳ش درگیر جنگ‌های داخلی شد و همراه شورای انقلابی اتفاق اسلامی با گروه‌های سازمان نصر، نیروی اسلامی، نهضت اسلامی، پاسداران جهاد و دیگران جنگید.³⁰

حرکت اسلامی به دلیل ایجاد مناسبات حسنه با گروه‌های اهل سنت افغانی مستقر در پیشاور باعث شد که با پیروزی مجاهدین، مسئولان حزب، همگام با گروه‌های مذکور به کابل انتقال یابند و رهبر آن نیز از اولین رهبرانی بود که در ۱۴ اردیبهشت ۱۳۷۱ش وارد این شهر شد. او به عنوان دبیر و سخنگوی شورای رهبری حکومت مجاهدین، ادای وظیفه کرد. اداره چند وزارتخانه و برخی مناصب دیگر دولتی نیز به حزب حرکت اسلامی تعلق گرفت و حرکت اسلامی از ۱۳۷۱ تا سقوط کابل به دست طالبان در بهار ۱۳۷۵ش، یکی از شرکای اصلی دولت استاد ربانی بود³¹ و در تمام جنایات این دولت شریک آن محسوب می‌شد.

در دولت اسلامی به رهبری استاد ربانی حرکت اسلامی عملاً در کنار احمد شاه مسعود، فرمانده نظامی شورای نظار و شریک سیاسی برهان الدین ربانی در دولت مجاهدین، به مقابله با حزب وحدت اسلامی افغانستان به رهبری عبدالعلی مزاری برخاست و در فاجعه افشار شرکت داشت.

8 - پیامدهای منفی اسلام سیاسی در افغانستان: باید در ابتدا به این نکته اشاره کنم که این تحقیق یک کار علمی و تحقیقی بوده و عاری از هرگونه حب و بغض دینی، مذهبی، سیاسی، فرقه‌ای، سمتی و زبانی است. با نظر داشت این موضوع پیامدهای اسلام سیاسی در افغانستان را مورد بحث و بررسی به شرح ذیل قرار می‌دهیم:

1 - پیامدهای منفی ناشی از عملکرد حزب اسلامی حکمتیار: اولین اقدام زیان باری که به ابتکار حکمتیار در سال به نمایندگی از نهضت اسلامی در 1354 در چند ولایت افغانستان قیامی را رژیم محمد داود خان راهاندازی گردید که با شکست سختی مواجه گردید و نهضت اسلامی را دچار اختلاف‌های درونی زیادی کرد.³²

حزب اسلامی حکمتیار در دوران اشغال افغانستان توسط شوروی سابق، به دلیل داشتن تعلق خاطر به اردو و ای اس ای پاکستان از مجموع کمک‌های جهانی برای جهاد افغانستان در برابر شوروی سابق، 80 درصد آن به این حزب اختصاص داده می‌شد و تنها 20 درصد آن به سایر احزاب و

30 - خسروشاهی، ص ۲۸۲۷؛ سیدمحمدعلی جاوید، تهران، مصاحبه، بهار ۱۳۸۰؛ فاروق انصاری، ص ۲۹.

31 - فاروق انصاری، احزاب و جریان‌های سیاسی شیعیان افغانستان (زیر چاپ)، ج ۱، ص ۳۰.

32 - بی بی سی فارسی - ۲ اردیبهشت ۱۳۹۷ - ۲۲ آوریل ۲۰۱۸.

گروههای جهادی. به همین دلیل حزب اسلامی در دوران جهاد خود را قافله سالار جهاد و یکه تاز میدان در برابر اشغالگران تلقی نموده و دیگران را عددی حساب نمی کرد. به همین دلیل همواره عامل اصلی درگیری با سایر گروهها در مناطق مختلف افغانستان بود..

پس از پیروزی مجاهدین و تشکیل دولت اسلامی عامل اصلی درگیری با دولت اسلامی و موشک باران مستمر شهر کابل در سال های 1371 و 1372 بوده و هزاران نفر را کشته و منابع و سرمایه های ملی کشور را نابود کرد.³³ و به شدت وجهه اسلام سیاسی را در افغانستان خدشه دار نمود.

2 - پیامدهای منفی ناشی از عملکرد حزب جمعیت اسلامی: حاکمیت حزب جمعیت اسلامی افغانستان به رهبری استاد برهان الدین ربانی موجب شد تا جنگ های داخلی خونین و زیانباری پس از سال ۱۹۹۲ در افغانستان بوقوع بپیوندد. جنگ های متذکره تلفات سنگینی را بر غیرنظامیان وارد کرد و از کابل، پایتخت افغانستان، یک ویرانه ساخت.

سازمان های بین المللی حقوق بشری، از جمله سازمان عفو بین الملل می گویند که احزاب و گروه های درگیر در جنگ های داخلی افغانستان، مسئول کشته شدن بیست و پنج هزار غیرنظامی هستند.³⁴ براساس نهادهای حقوق بشری، در این سالها موارد زیادی از قتل، ناپدید شدن افراد، شکنجه و تجاوز جنسی نیز صورت گرفته است. جعه افشار یکی از نمونه های بارز آن می باشد که در دوران حاکمیت استاد برهان الدین ربانی در کابل بوقوع پیوست.

3 - پیامدهای منفی ناشی از عملکرد حزب اتحاد اسلامی سیاف: عرب های افغان" به احزاب تندرو آن دوران در افغانستان مثل حزب اسلامی گلبدین حکمتیار و اتحاد اسلامی عبدالرب رسول سیاف، نزدیک بودند.³⁵ این حزب علاوه برآنکه حامی عرب های افغان بود. جنگ های را علیه حزب وحدت اسلامی به رهبری عبدالعلی مزاری را در کابل سازماندهی و هدایت می کرد.

4 - پیامدهای منفی ناشی از عملکرد گروه طالبان: پیامدهای منفی ناشی از عملکرد گروه طالبان را در دو مقطع امارت اسلامی اول و امارت اسلامی دوم آنان به شرح ذیل مورد بحث و بررسی قرار میدهیم:

الف - امارت اسلامی اول گروه طالبان: در این مقطع حاکمیت امارت اسلامی که از ۱۳۷۵ تا پایان ۱۳۸۰ می باشد. عمده ترین پیامدهای حاکمیت آنان به شرح ذیل بوده است:

33 - روزنامه ماندگار - گزارشگر: رحمت الله بیگانه/ چهارشنبه 5 جوزا ۱۳۹۵

34 - بی بی سی فارسی - ۱۵ مرداد ۱۳۸۸ - ۶ اوت ۲۰۰۹.

35 - بی بی سی فارسی - ۲ اردیبهشت ۱۳۹۷ - ۲۲ آوریل ۲۰۱۸

۱ - به دار آویختن داکتر نجیب الله رئیس جمهور پیشین افغانستان است³⁶. طالبان بعد از شکنجه و کشتن نجیب الله و برادرش، هر دو جسد را از یک ستون سمنتی چراغ راهنمایی در نزدیکی قصر و تنها با فاصله چند ساختمان از دفتر سازمان ملل، به دار آویختند. به نمایش گذاشتن اجساد با نشانه‌های فراوان از شکنجه، نفرت بسیاری از کابلی‌ها را از این عمل برانگیخت³⁷.

۲ - بنا به گزارش سازمان عفو بین الملل، طالبان شش روز پس از تصرف کابل حکومت ترور برقرار کرد. طرفداران برهان الدین ربانی رئیس جمهور افغانستان به زندان افتاده و هر کس را که مشکوک به همکاری با دولت ربانی و احمد شاه مسعود بود، دستگیر کردند. طالبان عکس گرفتن را ممنوع اعلام کرده و مغازه‌های عکاسی و فیلم برداری را بستند. به مردان شش هفته وقت دادند تا ریش بگذارند و به ماموران خود اختیار دادند کسانی را که از نماز ظفره می‌روند مجازات کنند. آنان به محض ورود به کابل، مدارس دخترانه را بستند و در نهایت آنچه طالبان در شهری چون کابل به نام اسلام به اجرا گذاشتند، چیزی نبود مگر قوانین خشک قوم پشتون که به اسم اسلام مطرح می‌شد.³⁸

۳ - در هشتم اگست ۱۹۹۸ طالبان دوباره به مزار شریف حمله کرده و از ۱۵۰۰ نفر از مدافعان هزاره که تا آخرین گلوله جنگیده بودند، تنها صد نفر از آنان زنده ماندند. طالبان در ساعات اولیه اشغال مزار شریف، از مساجد این شهر اعلان کردند: شیعیان سه راه بیشتر ندارند: یا سنی شوند، یا به کشور ایران بروند و یا کشته شوند³⁹. فرمانده طالبان از مسجد جامع شهر خطاب به شیعیان گفت: هزاره‌ها مسلمان نیستند و ما باید آنان را بکشیم یا باید مسلمان شوید و یا افغانستان را ترک کنید.⁴⁰ احمد رشید از زبان یکی از فرماندهان طالبان، ماجرای ورود طالبان به مزار شریف را این چنین به تصویر می‌کشد:

ملا عمر به ما اجازه داده بود دو ساعت کشتار کنیم، ولی ما دو روز مشغول این کار بودیم، طالبان دیوانه‌وار دست به کشتار زدند. آنان به سوی زنان، مردان، مغازه‌داران، گاری‌داران و کودکان و حتی الاغ‌ها و بزغال‌ها تیراندازی می‌کردند. جسدهای کشته‌شدگان در خیابان‌ها به حال خود رها شده بودند. مردم تا ۶ روز حق نداشتند اجساد نزدیکانشان را دفن کنند. سربازان طالبان به زور وارد خانه‌ها می‌شدند و اگر معلوم می‌شد که اعضای خانواده هزاره هستند، تمام اهل خانه را قتل عام می‌کردند.⁴¹

36 - عارفی، محمداکرم، مبانی مذهبی و قومی طالبان، علوم سیاسی، ش ۴، سال اول، بهار ۱۳۷۸ ش.

37 - علیخانی، عبدالله، کتاب امنیت بین‌الملل (۴) (ویژه القاعده)، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ۱۳۸۸ ش.

38 - فرزانه، احمدشاه، افغانستان از حکومت مجاهدین تا سقوط طالبان، مشهد، آهنگ قلم، اول، ۱۳۸۹ ش.

39 - همان، ص 125 .

40 - همان، ص 126 .

41 - همان، ص 124 .

طالبان، دستگیر شدگان را در کانتینرها جا داده و درهای آنها را قفل می‌کردند، تا زندانیان خفه شوند. آنان بعضی از این کانتینرها را به دشت لیلی برده و در آنجا زندانیان را قتل عام می‌کردند، یکی از شاهدان عینی در این باره می‌گوید: هنگامی که درب یکی از کانتینرها را باز کردند، تنها سه نفر از زندانیان زنده مانده و حدود سیصد نفر دیگر در داخل آن مرده بودند.⁴²

سازمان ملل بعدها تخمین زد شش هزار نفر از شیعیان به بدترین وضع و بسیار کینه توزانه کشته شده‌اند. به تصریح احمد رشید، روزنامه نگار معروف پاکستانی، در جریان حمله طالبان به مزار شریف حدود ۴۰۰ زن هزاره به کنیزی گرفته شدند. بعدها وقتی همسر ملادوست محمد در قندهار از وی نزد ملا عمر شکایت کرد که ملادوست محمد، دو زن هزاره را به عنوان کنیز همراه خود به منزل آورده است، ملا عمر او را به زندان انداخت، اما خیلی زود آزاد شد و هیچگاه زنان هزاره به وطن خود بازنگشتند.⁴³

۴ - طالبان در مزار شریف دست به جنایت دیگری زدند که آنان را تا آستانه جنگ با ایران پیش برد. یک واحد از طالبان به همراه چند تن از شبه نظامیان سپاه صحابه پاکستان، به فرماندهی ملادوست محمد وارد کنسولگری ایران در این شهر شده و یازده دیپلمات ایرانی را به همراه یک خبرنگار به شهادت رساندند.

جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به این جنایت طالبان برای حمله، صدها هزار سرباز در مرز مستقر کرد و خطر یک درگیری نظامی تشدید شده بود.⁴⁴ که با میانجی‌گری اخضر ابراهیمی در تاریخ ۱۴ اکتبر ۱۹۹۸ تنش نظامی بین ایران و افغانستان فروکش کرد.⁴⁵

۵ - جنایت در بامیان: بامیان در ۲۲ سنبله ۱۳۷۷ش مصادف با ۱۳ سپتامبر ۱۹۹۸م سقوط کرد. در پی درخواست‌های مکرر بین المللی درباره احترام به حقوق بشر، این بار ملا عمر به نیروهایش دستور داد که از برخورد با شهروندان هزاره پرهیز کنند. مع الوصف در بامیان طی چند هفته پس از ورود طالبان کشتارهای وسیعی صورت گرفت. در روستایی نزدیک بامیان پنجاه نفر از سالخورده‌گان که پس از فرار جوانان، در روستا باقی مانده بودند توسط نیروهای طالبان به قتل رسیدند.⁴⁶

42 - همان ، ص 125 .

43 - همان ، ص ۱۲۷ .

44 - مزده، وحید، افغانستان و پنج سال سلطه طالبان، ص ۱۲۴ .

45 - همان ، ص ۱۲۶ .

46 - همان ص ۱۲۴ .

ملانیازی پس از حمله طالبان به بامیان و قتل عام مردم این منطقه نیز چنین گفته است: ما ۷۰۰ تن از مخالفان را از خانه‌های شان بیرون کشیدیم و پس از کشتن در ریگزارهای بیابان دفن کردیم. هر کس با ما مخالف است می‌تواند سری به گور آنها بزند⁴⁷.

۶ - در ۱۸ سپتامبر ۱۹۹۸، درست پنج روز پس از تسخیر بامیان، طالبان در یک تراژدی دیگر سر مجسمه کوچکتر بودا را با دینامیت منفجر کردند و صورت آن را کاملاً از بین بردند و قسمت پایین تنه مجسمه را هدف گلوله‌های راکت قرار دادند. دو مجسمه بودا که بزرگترین میراث فرهنگی افغانستان به شمار می‌رفت و تقریباً دو هزار سالی بود که بر پا ایستاده بود، اکنون توسط طالبان نابود شده بود.⁴⁸ تخریب مجسمه‌های بامیان نفرت و انزجار شدیدی را علیه طالبان در سطح بین‌المللی موجب گردید. در حالی که طالبان مدعی بودند که فتوای این عمل از طرف دیوان عالی کشور صادر شده است. مولوی نور محمد ثاقب قاضی القضاة طالبان از تایید این موضوع خودداری کرد. وزارت امر به معروف نیز جوابی به سوالات خبرنگاران نداد. زیرا در این رابطه هیچ دلیل شرعی قانع‌کننده‌ای وجود نداشت. فاجعه‌ای بزرگ به وقوع پیوسته بود که یونسکو آن را به «وحشت فرهنگی» تعبیر کرد.⁴⁹

ب - امارت اسلامی دوم ۱۵ اگست ۲۰۲۱ تا کنون: در این مقطع عملکرد های دارای پیامدهای منفی امارت اسلامی به شرح ذیل بوده است:

۱ - طالبان به تاریخ ۷ سپتامبر ۲۰۲۱، یک کابینه سرپرست و سایر پست های کلیدی را در سطح ملی و ولایتی اعلام نمود که تمام اعضای آنرا مردان تشکیل داده و عمدتاً به قبیله پشتون تعلق دارند. افراد منصوب شده در پست های متذکره وابسته به طالبان بوده و اسامی شماری زیادی از آنها در فهرست تحریم های شورای امنیت سازمان ملل متحد (1276) و کشور های عضو جا دارد. دولت آنها تا کنون از جانب سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته نشده است و به همین دلیل در این گزارش از آن به عنوان مقامات بالفعل یادآوری شده است.⁵⁰

هرچند طالبان بار ها ادعا نموده اند که دولت آنها همه شمول است، اما در عمل فاقد تنوع

جنسیتی، قومی، مذهبی، سیاسی و جغرافیایی می باشد.⁵¹

47 - رشید، احمد، طالبان اسلام نفت و بازی بزرگ جدید، ص ۱۲۹.

48 - همان، ص ۱۲۸.

49 - وحید پیش، محمد، و انصاری، فاروق، و خلوصی، محمدحسین، آشنایی با مسلمانان جهان اسلام شیعیان افغانستان روابط جایگاه جریان‌ها و احزاب، ص ۴۳۳.

50 - گزارش گزارشگر ویژه در مورد وضعیت حقوق بشر در افغانستان به پنجاه و یکمین اجلاس شورای حقوق بشر اگست ۲۰۲۲.

51 - همان.

۲ - نقض فرمان عفو عمومی: امارت پس از استقرار در کابل علیرغم اینکه عفو عمومی اعلام کردند اما صدها نفر از نیروهای امنیتی قبلی را به فجیع ترین وجه ممکن کشتند.

۳ - حکومت سرپرست امارت اسلامی محدودیت های گسترده ای در برابر زنان افغانستان وضع نموده اند. طوری که این محدودیت ها زنان را از حقوق اساسی شان محروم کرده است. طوری که در حال حاضر میلیونها دختر و زنان افغانستان از تحصیل محروم شده و از کار بیکار گردیده اند.

تحصیل، آگاهی، آموزش و کسب دانش از جمله مقوله‌هایی است که حق طبیعی و اساسی بشریت شمرده می‌شود. این مقوله‌ها چون حقوق طبیعی و اولیه انسان است، هیچ کسی حق سلب و مانع شدن آن‌ها را ندارند. ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر این حق (آموزش) را برای هر کودکی از بدو تولد محترم دانسته و تأکید داشته که والدین و دولت باید به آموزش و تربیت فرزند توجه داشته باشند.⁵² در مورد آزادی آموزش در «کنوانسیون‌ها» و «اعلامیه‌های حقوق بشر» آمده است: هر کسی حق تحصیل دارد، تحصیل حداقل در مراحل ابتدایی باید رایگان باشد. همچنین تحصیلات ابتدایی باید اجباری شده و آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نیز در دسترس عموم قرار گیرد. آموزش عالی هم باید برای همه و براساس شایستگی در دسترس باشد.

یکی از زنان معترض که خود زندان و شکنجه های طالبان را تجربه کرده است به روزنامه اطلاعات روز می گوید: زنان در افغانستان با انواع خشونت رو به روز هستند. خودکشی تجاوز قتل سرکوب شکنجه زندان محرومیت از تحصیل بد دادن ازدواج اجباری ممنوعیت از کار و سفر و مواجه می باشند.

دیوید لمی، وزیر امور خارجه انگلستان در همین زمینه گوید که: طالبان از زمان تسلط بر افغانستان، قوانینی را وضع کرده‌اند که به طور سیستماتیک زنان را از حق تحصیل، کار و عزت محروم کرده است. او می‌افزاید که زنان زیر حاکمیت طالبان امید شان را از دست داده و زندگی عادی برای زنان و دختران تبدیل به زندان شده است.⁵³

۴ - **فروپاشی اقتصاد افغانستان:** یکی از پیامدهای منفی رویکار آمدن مجدد امارت اسلامی در افغانستان فروپاشی اقتصاد کشور و زیرخط فقر قرار گرفتن ۹۷ درصد جمعیت کشور می باشد. در حال حاضر، افغانستان با یک بحران اقتصادی پیچیده دست و پنجه نرم می کند، و حوادث طبیعی سبب وخامت بیشتر وضعیت اضطراری بشردوستانه که قبل از به قدرت رسیدن طالبان آغاز شده بود، شده

52 - روزنامه هشت صبح - چهارشنبه 14 جدی 1401
53 - آریانا نیوز - سه شنبه ۷ سرطان ۱۴۰۱ .

است. تولید ناخالص داخلی سرانه واقعی در مقطع زمانی بین اواخر سال 2020 و اواخر سال 2021 حدود 34 درصد کاهش یافته است⁵⁴.

تمام گزارش های رسانه های داخلی و خارجی و مجامع بین المللی بویژه سازمان ملل متحد بیانگر فروپاشی اقتصاد افغانستان در شرایط فعلی می باشد. وجود 97 درصد جمعیت فعلی کشور زیر خط فقر بیانگر فروپاشی اقتصاد کشور می باشد.

۵ - افزایش ۵۰ درصد بیماری های روحی و روانی و خودکشی در افغانستان: به دلایل متعدد بویژه زیر خط فقر قرار گرفتن ۹۷ درصد جمعیت افغانستان در حاکمیت امارت اسلامی میزان خودکشی ها در سطح کشور به شدت افزایش یافته است. به عنوان مثال: تنها در ماه های قوس و جدی سال ۱۴۰۱ خورشیدی دست کم ۲۰ نفر در ۱۵ ولایت کشور خودکشی کرده اند.

آماري که توسط خامه پرس گردآوری شده از سوی منابع محلی نیز تایید شده و تمام این خودکشی ها در ولایت های زابل، بغلان، بامیان، بادغیس، کاپیسا، کندهار، دایکندی، پنجشیر، غور، فاریاب، نیمروز، ننگرهار، کندز، پروان و قندهار اتفاق افتاده است. اکثر کسانی که در جریان ۲ ماه گذشته خودکشی کرده اند، بین ۱۶ تا ۲۹ سال عمر داشته اند⁵⁵.

عمده ترین دلایل خودکشی ها حاکمیت فقر شدید نبود چشم انداز روشن برای آینده کشور، نادیده گرفته شدن حقوق اساسی مردم بویژه زنان و دختران ذکر شده است. مسئولان صحتی در هرات به شرط افشا نشدن نام شان می گویند، نس از روی کار آمدن حکومت امارت اسلامی طالبان آمار بیماری های روحی و روانی در سطح این ولایت افزایش یافته و بیشترین قربانیان این بیماری، زنان و دختران می باشند. به گفته شفاخانه حوزه ای هرات، تقریباً ۸۰۰۰۰ مریض در کمتر از یک سال به بخش صحت روانی این شفاخانه مراجعه کرده اند. از این تعداد ۴۰٪ دانشجویان و کارمندان سابق دولت بودند⁵⁶.

روانشناسان در هرات می گویند، تعداد زنان و دخترانی که به دلایل مختلف مانند بسته ماندن مکاتب و از دست دادن شغل شان و عدم دسترسی به حقوق اساسی و آزادی های انسانی شان پس از تحولات اخیر در کشور که دچار افسردگی و اختلالات روحی و روانی شده اند، به ۵۴۶ تن می رسد.

54 - www.worldbank.org/en/news/press-release/2022/04/13/world-bank-urgent-action-required-to-stabilize-afghanistan-s-economy.

55 - خامه پرس - چهارشنبه، ۲۵ ژانویه ۲۰۲۳.
56 - طلوع نیوز - ۱۱ سرطان ۱۳۹۴.

شماری از روان‌شناسان نیز در هرات می‌گویند تعداد مراجعینی که دچار اختلالات روانی هستند ۵۰ درصد افزایش یافته طوری که یک تن از این روان‌شناسان می‌گوید، در گذشته در هر ماه به‌گونه‌ای تقریبی، ۱۰۰ مریض روانی به دفتر وی مراجعه می‌کردند؛ اما در ماه‌های اخیر تعداد این مراجعه‌کنندگان در حدود ۲۶۰ تن رسیده است.⁵⁷

۶ - به خطراتادن امنیت منطقه ای از طریق اتصال گروههای بنیادگرای منطقه به همدیگر:
قدرت‌گیری طالبان در افغانستان تمام گروههای بنیادگرای که در کشورهای دیگر فعالیت دارند را به یک‌دیگر وصل می‌سازد. وصل شدن این شبکه‌ها، امنیت منطقه‌ای و جهانی را به مخاطره خواهد انداخت. در حال حاضر چندین گروه بنیادگرا در آسیای مرکزی فعالیت دارند؛ این گروه‌ها در دوران حکومت پنج‌ساله‌ی طالبان رابطه نزدیک با این گروه داشتند. مهم‌ترین این گروه‌ها تحریک اسلامی اوزبیکستان، جنبش اسلامی ترکستان، حزب التحریر، اکرامیه اوزبیکستان و جماعت تبلیغ قزاقستان می‌باشند. اویغور در شرق افغانستان نیز پتانسیل بالایی برای تبدیل شدن به جریان رادیکال را دارند و ارتباط نزدیک با گروه بنیادگرا در آسیای مرکزی، افغانستان و پاکستان دارند.

مهم‌ترین گروه‌های فعال بنیادگرا در پاکستان عبارت از: حرکت المجاهدین (HUM)، حرکت الجهاد الاسلامی (HUJI)، تحریک طالبان پاکستان (TTP)، تحریک نفاذ شریعت محمدی (TNSM)، لشکر جنگجوی (LEJ)، جیش محمد (JEM)، لشکر اسلامی (LEI) و سپاه صحابه که بیش‌تر این گروه‌ها در کشمیر، سوات، خیبر پختون‌خوا، بلوچستان و مناطق قبایلی آزاد (FATA) فعال می‌باشند.⁵⁸ علاوه بر موارد فوق الذکر در سیستان و بلوچستان ایران گروه‌های بنیادگرا حضور دارند که مهم‌ترین آن‌ها جندالله است.

جمع بندی پیامد های منفی اسلام سیاسی در افغانستان: اسلام سیاسی در افغانستان در واکنش به "موج الحاد و دین‌ستیزی مارکسیست-لنینیست‌ها" در دوران حاکمیت حزب دموکراتیک خلق افغانستان به میدان آمد و برخی از قدرت‌های منطقه‌ای و جهانی نیز از آن حمایت کردند. پیامد های منفی اسلام سیاسی در افغانستان ناشی از عوامل ذیل می باشد:

1 - اسلام سیاسی در افغانستان اولاً به دلیل وابستگی فکری به بیرون از کشورمانند: وابستگی به اخوان المسلمین و افکارواندیشه های ابوالعلاء مودودی. باعث گسترش افکار و اندیشه های غیربومی و مخالف منافع ملی کشورشدند. نثانیا چون اسلام سیاسی در افغانستان فاقد شخصیت فکری و نظریه

57 - روزنامه اطلاعات روز - ۱۳ عقرب ۱۴۰۱ .
58 - روزنامه هشت صبح - ۷ سرطان ۱۳۹۹ .

پردازان بومی بودند.⁵⁹ به همین دلیل اسلامگراهای افغانی همواره وابستگی فکری به افکار و اندیشه های بیرونی ها باعث گردید تا اسلام گرایان سیاسی افغانستان عملکرد های مغایر منافع و مصالح ملی افغانستان داشته باشند. ثالثاً جریانات اسلام سیاسی هیچ طرح و برنامه ای مدون برای نظام سیاسی مطلوب خویش نداشتند. به همین دلیل مدل های حکومتی آنان مانند: دولت اسلامی و امارت اسلامی هیچگاه میان ملت افغانستان مقبولیت و مشروعیت پیدا نکرد. به همین دلیل اسلام سیاسی در افغانستان در 40 سال اخیر دارای پیامد های منفی زیادی برای افغانستان و مردم بدنبال داشته است.

۲ - رشد و گسترش جریان اسلام سیاسی، فرهنگ سنتی این کشور را تحت تأثیر قرار داد و بسیار آسیب پذیر کرده است.

۳ - اسلام سیاسی باعث وقوع جنایات جنگی و اقدامات ضد حقوق بشری فراوانی در افغانستان شدند که از نمونه های بارز آن می توان به وقوع جنگ های داخلی میان احزاب اتحاد اسلامی سیاف با حزب وحدت اسلامی به رهبری عبدالعلی مزاری ، میان حزب اسلامی و جمعیت اسلامی . راکت باران کابل توسط حزب اسلامی حکمتیار که هزاران نفر را کشته و خسارات جانی و مالی زیادی بدنبال داشت. اعدام داکتر نجیب الله و برادرش در کابل توسط طالبان، کشتارهای دسته جمعی شیعیان در مزار، بامیان و کابل توسط این گروه را می توان نامبرد.

۴ - عملکرد های اسلام سیاسی باعث گردید تا افغانستان همواره یک کشور توسعه نیافته باقی بماند و توسعه نیافتگی عمده ترین عامل نابسامانی ها و بحران های موجود در افغانستان محسوب می شود.

۵ - اسلام سیاسی در افغانستان یکی از عوامل تهدیدات امنیتی برای منطقه ای آسیای میانه و آسیای جنوبی محسوب می شود.

Azady

منابع و ماخذ:

- 1 - رواء، الیویه؛ تجربه اسلام سیاسی، تهران، مرکز انتشارات بین المللی صدرا، 1378 .
- 2 - بذرهای توطئه (گزیده اسناد محرمانه وزارت خارجه انگلیس)، ترجمه حسین ابوترابیان، انتشارات، مؤسسه اطلاعات، تهران، 1366 ،
- 3 - لوکرنیف: اسرائیل، اسطوره ها و واقعیت، ترجمه مازیار، انتشارات ابوریحان، تهران، 135 و
- 4 - الیویه رواء، "اسلام و مقاومت در افغانستان" تالیف انتشارات دانشگاه کمبریج 1995 .
- 5 - آندره بریگو، و الویه رواء (1366) جنگ افغانستان: دخالت شوروی و نهضت مقاومت، ترجمه ابوالحسن سروقدمقدم. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- 6 - سجادی، سید عبد القیوم، گفتمان جهانی شدن و اسلام سیاسی در افغانستان پسا طالبان، سازمان انتشارات دانشگاه مفید، قم، چاپ اول، 1388.
- 7 - سرافراز، محمد، جنبش طالبان از ظهور تا افول، انتشارات سروش، تهران، چاپ اول، 1390 .
- 8 - شارل بریزار، ژان، و داسکیه، گیوم، بن لادن حقیقت ممنوع، ترجمه: عبد الحسین نیک گهر، نشر آگاه، تهران، چاپ اول، 138 .
- 9 - علیخانی، عبدالله، کتاب امنیت بینالملل (۴) ویژه القاعده، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بینالمللی ابرار معاصر، 138 .
- 10 - فرزانه، احمدشاه، افغانستان از حکومت مجاهدین تا سقوط طالبان، مشهد، آهنگ قلم، اول، 1389.
- 11 - مزده، وحید، افغانستان و پنج سال سلطه طالبان.
- 12 - رشید، احمد، طالبان اسلام نفت و بازی بزرگ جدید،
- 13 - بهروزلک، غلامرضا؛ اسلام سیاسی و اسلامگرایی معاصر، پگاه حوزه، شماره 209 ، خرداد. 1386
- 14 - موسوی، سید حسین، تهدیدهای جدید امنیتی اسرا بیل در منطقه خاورمیانه، فصلنامه مطالعات منطقه ای، شماره 1380 .
- 15 - روزنامه ماندگار - گزارشگر: رحمتالله بیگانه /چهارشنبه 5 جوزا 1391 - 16 -
- 16 - بی بی سی فارسی 2 - اردیبهشت 22 - 1397 آوریل. 2018
- 17- The Afghanistan Wars. New York: Palgrave, 2002 Maley, William.